

زمین با کرونا نفس تازه کرد

دوم اردیبهشت ۱۴۰۰ مصادف با ۲۲ آوریل، روز زمین پاک است؛ زمینی که شاید پاکی این روزهای خود را مدیون کرونا باشد. در هنگام شیوع ویروس کرونا با ممنوعیت‌های تردد، قرنطینه خانگی و دانشمندان و کارشناسان شیوع این ویروس را فرصتی برای تنفس زمین می‌پندارند.



حفظ منابع آب

بازیافت بیشتر

نه به پلاستیک

کاشت درخت

راهکارهای حفظ محیط زیست

منبع: ایمننا

گفت‌وگو

۵ پلان تلخ در دوروز یک کشور

رفتار کبک پاسخ مردم نیست

چه لزومی دارد مسئولان عامدانه خود را به نشنیدن بزند؟

تنها یک اثر دارد. «افزایش خشم مردم» در کنار سایر مشکلات اقتصادی و سیاسی و اجتماعی امروز که وجود دارد.

پلان دوم: تغییر یافتن عجیب اظهارات ماهی فروش هر مزگانگی؟
احتمالاً تا به امروز همه مادر ددل‌های آن ماهی فروش اهل هر مز را شنیده‌ایم. ماهی‌گیری که با غمی از درون از گرانی‌ها می‌گوید؛ از گوشت ۱۳۰ هزار تومانی که نمی‌تواند بخرد، از دلی که لک‌زده برای خوردن میوه‌ها، وقتی انواع و اقسام آن را با حسرت نام می‌برد، کمتر کسی است که این‌ها را پشت‌نود و بغض نکند. از اینکه حتی اگر ماهی‌هایش را بفروشد به زحمت بتواند مرغ بخورد. لحن این مرد آن گونه بود که همه او را صادق و پاک‌ترین کسی که وضع کشور را به تصویر می‌کشد معرفی کردند، وقتی از او سوال کردند زندگی را دوست داری یا همان غم‌گفت: «زندگی خوبه باید هم به خاطر زن و بچه‌ام خوب باشه حتی اگر خود من دوست نداشته باشم زندگی را برای آنها باید ادامه بدهم». اظهارات او چون از دل برمی‌آمد بر دل هم نشست اما... همین دست به دست شدن گفته‌های او و تاثیرگذاری‌اش به آنجا انجامید که ناگهان فیلم عجیب دیگری از او منتشر شود. البته این بار در آن خبری از اظهاراتی که دیگر از دل برمی‌آید نیست... او در این فیلم جدید می‌گوید: «الحمد... فراوانیه! همه چی خوبه شکر خدا و فیلم قبلی من را راضی نبودم پخش کنند...» این در حالی است که قطع شدن چندباره فیلم

آرمان ملی - امید کاجیان: نگاهی به وقایع یکی دوروز گذشته می‌تواند تنها یک نکته را به مقامات کشورمان گوش زد کند: «مسیری که آنها می‌روند قطعاً آن چیزی نیست که دوی اید درد مردم در چنین شرایطی باشد» تنها مرور بخشی از اتفاقات این یکی دوروز بیانگر این موضوع است.

پلان اول: دورگردانی چند جوان در اوج کرونا

در اوج کرونا و توصیه‌های مسئولان و مقامات به عدم ایجاد هرگونه تجمع، ناگهان صحنه دورگردانی و تحقیر افرادی که گفته می‌شود در ایام چهارشنبه‌سوری با ایجاد سروصدا مخیل آسایش مردم شده‌اند در مقابل دوربین‌ها و با حضور مأمورین پلیس در شبکه‌های اجتماعی فراگیر می‌شود؛ صحنه‌هایی که متهمان به اخلاص در آسایش مردم، باید در خیابان‌ها راه بروند و مانند آینه عبرت‌ها به نمایش دربیایند. اتفاقی که در مشهد رخ داد. نوع برخوردی که از دیدگاه بسیاری حتی در شرایط عادی هم ایراد دارد و ارائه تصویری ناخوشایند و بی‌مورد از خشونت پلیس و یاروش‌هایی منسوخ‌شده در جهان عصر حاضر است؛ حال آنکه این نمایش در اوج شیوع کرونا و خرده‌دائمی مسئولان بر اینکه مردم پروتکل‌ها را رعایت نمی‌کنند انجام شده است. این اقدام در حالی است که چند روز قبل نیز پخش تصاویر ادعایی منتسب به تیراندازی گشت در مشهد به یک موتورسوار که البته تاریخ و جرایمی آن مشخص نیست نیز سؤالاتی را به همراه داشت. این را باید در کنار یکی از وقایع و صحنه‌های دیگر چند وقت پیش بگذاریم، جوان مشهدی متهمی که بنابه هر دلیلی، دست‌بسته به میله‌ها در ملأ عام با شوکر برقی و گاز فلفل آندر شکنجه شد که در نهایت جان باخت. هر چند متأسفانه از این نمونه صحنه‌ها بسیارند، نمونه‌اش اقدامات دیگر در زمین کشیدن و انداختن دختران به ماشین گشت و... بر خوردهای خارج از عرفی که وقتی گوشه‌هایی از آن در رسانه‌های اجتماعی منتشر می‌شود

آزبان حرکت و از این طریق پروتئین‌های بدنشان را تامین کنند. موجی از اعتراضات تازه را به همراه داشت. اینکه چرا مقام اجرایی کشور به جای تغییر وضعیت کنونی، می‌خواهد وضعیت مردم را با اوضاع بد فعلی تطبیق دهد باعث واکنش‌های بسیاری شد.

پلان چهارم: بازهم تا کار آمدی واکسنی

محرومیت خودخواسته از ورود واکسن‌های معتبر به ایران، کندی در واکسیناسیون و... همه در حالی صورت می‌گیرد که بازم وعده واکسیناسیون یک میلیون و چند صد هزار نفری که قرار در پایان سال ۹۹ محقق شود نشد و به پایان فروردین ماه حواله شد، رخ ندهد و به ماه اردیبهشت کشیده شود. مطمئناً که سیاست‌های تا کار آمد در واکسیناسیون مردم و سیاسی کردن این موضوع از سوی مقامات کشورمان همانطور که تاکنون پیامد بدی داشته در ادامه نیز خواهد داشت.

پلان پنجم: اعتراضات مال‌باختگان بورس

در این چندروز شاهد اعتراضات و شعارهایی از سوی مال‌باختگان بورس هم بودیم. کسانی که با وعده‌های مسئولان در بورس سرمایه‌گذاری کردند و به امید گشایش اقتصادی پول گذاشتند و امروز در اوج تنگنای اقتصادی به خیابان‌ها آمدند. نشنیده شدن صدای منتقدان نیز قطعاً کار را بغیرتر می‌کند، عدم انعکاس این مسائل در رسانه‌ها یا واکنش منفعل نسبت به آن باعث تندتر شدن شعارها می‌شود. کم‌توجهی به صدای مردم از سویی و از طرفی دیگر ندیدن مشکلات آنها یا اقداماتی مثل برخی خط‌و‌نشان کشیدن‌ها قطعاً چیزی نیست که بتواند مسیر را به سمت‌وسوی بهبود سوق دهد. طی یکی دوروز گذشته همین چند پلان تلخ می‌تواند بیانگر این مطلب باشد که اگر «مسئولان» برای حل مشکلات مردم کاری عاجل نکنند، حداقل بهتر است بر نگرانی آنها نیفزاید.

دوم محسوس است و البته جملاتی که به نظر می‌رسد از پیش تعیین شده... (۱) انتشار این فیلم دوم به هر بهانه و از سوی هر کسی که باشد، اما باز هم درست یا غلط ماجرای بعضی اعتراضات عجیب و غریبی که هر از گاهی در صدا و سیما هم می‌بینیم را تداعی می‌کند. هر چه بود نمایش اظهارات دوم این مرد برای خیلی‌ها این گونه معنا یافت که «حتی برای نداری هم باید بعداً پاسخگو باشی و حرفت را عوض کنی». موضوعی که قطعاً مردم از آن استقبال نمی‌کنند.

پلان سوم: اظهارات روحانی برای کاهش خوردن گوشت و مرغ
هر از گاهی اظهارات مختلفی از افراد دعوت‌شده در صدا و سیما می‌شنویم که مثلاً در ارتباط با گرانی‌ها، مردم را توصیه به نخوردن گوشت و مرغ می‌کنند یا کم‌خوری یا خوردن سبزیجات و... اظهاراتی که همگی با حواشی بسیاری روبه‌رو شده و موج عظیمی از انتقادات را به همراه داشته است. پیش از این نیز بودند مسئولانی که از پشت تریبون‌ها مردم را به خوردن اشکنه دعوت می‌کردند و یا اینکه این اواخر یکی دیگر از چهره‌ها گفته است گوشت و مرغ که هیچ آب هم نباشد مردم باز هم پای این سیستم ایستاده‌اند و برایشان این چیزها مطرح نیست. اما گفته‌های حسن روحانی که به موازات گفته‌های همان ماهی فروش بیان شد، رئیس‌جمهور از این گفت که مردم بهتر است بتوانند رژیم غذایی خود را تغییر دهند و از مصرف گوشت و مرغ به سمت خوردن